

نقش پایبندی به ولایت اهل بیت (علیهم السلام) در سعادت

انسان از منظر آیات و روایات

فاطمه سروی^۱

چکیده

طبق منابع اسلامی به برکت پذیرفتن ولایت ائمه اطهار (علیهم السلام) میتوان به مقام و منزلتی رسید که با دیگر مقامات قابل سنجش نیست و اثراتی را در زندگی مشاهده نموده که نمی‌توان با دیگر وسائل اخذ کرد. سعادت به موقعیتی گفته می‌شود که در آن افراد در بالاترین قابلیت خود به مقام قرب الهی دست یابند. رشد و توسعه مادی به خودی خود هدف نیست بلکه وسیله‌ای در راستای شکوفایی استعدادهای عالی انسان است. انسان با این که برترین و بهترین مخلوقات است و همواره در پی سعادت است، ولی ممکن است در چیرستی سعادت و در مسیر دستیابی به آن دچار لغزش و اشتباه شود از این رو دارای عیوب و آفت‌های طبیعی است که سرانجام شقاوت و بدبختی را برای وی فراهم می‌آورد عواملی مانند دنیا، شیطان و نفس مواردی هستند که ممکن است انسان را دچار لغزش کند. یکی از اثرات ولایت اهل بیت (علیهم السلام) سعادت انسان است. این تحقیق که به شیوه توصیفی نگاشته شده است به نقش ولایت اهل بیت (علیهم السلام) در جهت سعادت انسان پرداخته و آن را شرط قبولی اعمال، شرط پیمودن ایمان، و همچنین با ولایت است که محبت به اهل بیت (علیهم السلام) ایجاد می‌شود که همه‌ی این موارد نقش مستقیم در عاقبت بخیری و سعادت انسان دارد.

کلیدواژه‌ها: اهل بیت (علیهم السلام)، انسان، پایبندی، ولایت اهل بیت (علیهم السلام)، سعادت.

۱. طلبه سطح دو حوزه علمیه صدیقه طاهره (سلام الله علیها) شهرستان ساوه، غرق آباد.

مقدمه

ولایت اهل بیت (علیهم السلام) اصل و اساس دین اسلام و مورد تائید و تاکید خدا و پیامبران است، قبولی ولایت خاندان پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله و سلم) ارزشی متعالی و نهایت لطف و کرم پروردگار جهانیان است. ولایت ائمه معصومین (علیهم السلام) مثل تابلوی راهنمایی است که در کویری تاریک و تنگاتنگ طریق، روشن و راه درست را به موالیان خود نشان داده و آنان را از سرگردانی ضلالت ابلیس بیرون کشیده و به منزل مقصود مورد الهی نائل کرده و از عزت و شرف حقیقی فیض می‌برد. ولایت خاندان پیامبر گرامی (صلی الله علیه وآله و سلم) مهمترین مسیر برای نیل به مقام و منزلت واقعی، مطمئن ترین وسیله‌ای برای درک ارزش‌های اسلامی، بهترین ابزاری برای کسب فضیلت‌های جهان فانی و باقی و مؤثرترین روشی جهت اصلاح و تربیت انسانی و امت اسلامی می‌باشد

خدای متعال همیشه انسان‌های کامل و طیب و طاهر را برای جهانیان معرفی کرده، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله و سلم)، اهل بیت (علیهم السلام) را برای پیروان خود بهترین الگو و نمونه قرار داده و همگان را به قبولی ولایت آنان دعوت کرده تا از آنان اطاعت کرده و به فضایل و کمالات پیدا کنند ارزش‌های متعالی و فضیلت‌های برجسته را کسب کنند. و همواره با تأسی از فرمایشات و دستورات‌شان در طریق موفقیت گام بردارند تا حرکات و سکنات زندگی خود را مورد خوشنودی و رضایت الهی قرار دهند و در نتیجه ثمرات بی مثل و بی بدیل دنیوی و اخروی را اخذ نمایند.

انسانها به دنبال سعادت هستند اما برخی این راه را اشتباه طی می‌کنند شناخت ولایت حقه الهیه و جانشینان راستین او و ایمان به آن و حرکت در این راه و در مقابل کفران به ولایت طاغوت و انزجار از طاغوت زیر بنای سعادت و شقاوت است؛ اعتقاد به ولایت اهل بیت (علیهم السلام) در زندگی انسان تأثیر زیادی دارد در منابع اسلامی این مطلب بیان شده که پذیرش ولایت از عمق جان و دل در زندگی بشر خیلی اثر از جمله مواردی که ولایت اهل بیت (علیهم السلام) در حیات انسان موثر است، این است که ولایت آن بزرگواران برای انسان سعادت دنیوی و اخروی را فراهم می‌کند این تحقیق که به شیوه توصیفی نگاشته شده است در پی پاسخ به این پرسش است که نقش پایبندی به ولایت اهل بیت (علیهم السلام) در سعادت انسان از منظر آیات و روایات چیست؟

با توجه به اهمیت موضوع تاکنون تحقیقاتی در این زمینه نگارش شده است از جمله: تحقیقی با عنوان «ماهیت کمال و سعادت انسان از دیدگاه قرآن کریم» نوشته: مصلائی پور، بیان می‌دارد که کمال و سعادت در قرآن کریم با واژه هایی چون فوز و فلاح پیوند خورده است در مقابل تفکر مادی رستگاری را در سیاست بازی، رفاه مادی و ثروت اقتصادی خلاصه کرده است. بر مبنای آموزه‌های قرآن کریم جامعه که متشکل از مردم

و حکومت است طاعت خدا باشد به سوی کمال و سعادت در حال صعود است و اگر در طریق معصیت قرار گیرد به سمت شقاوت و هلاکت رو به سقوط است. در تحقیقی با عنوان «عوامل و آثار سعادت انسان از منظر قرآن» نوشته: ریاحی مهر بیان میدارد که قرآن کریم عوامل رسیدن به آن را ارائه نموده که مشتمل بر عوامل اعتقادی، اخلاقی و رفتاری است و آثار و ثمرات زیادی بر آن مترتب نموده است. و موثرترین عاملی که قرآن کریم برای تأمین همچنین سعادت پیش بینی می‌کند ایمان و عمل صالح است که آثار متعددی بر آن مترتب است. تحقیقی با عنوان «نقش حجت‌های الهی در سعادت انسان» نوشته: کاظمی؛ یوسفیان بیان می‌دارند که هدف اصلی از خلقت انسان سعادت است؛ و حجت‌های الهی بخش مهمی از آن را پوشش می‌دهند. آخرین حجت الهی نیز اگر چه دوران غیبت رامی‌گذرانند؛ بهره‌مندی از وجود ایشان در مسیر سعادت قطع نشده است. تمامی این تحقیقات ارزنده و غنی هستند ولی در تحقیق حاضر به طور مفصل و منسجم به نقش پایبندی به ولایت اهل بیت (علیهم‌السلام) در سعادت انسان از منظر آیات و روایات پرداخته می‌شود.

۱- مفهوم شناسی

قبل از پرداختن به مبحث اصلی تعریف کلمات کلیدی تحقیق ضروری می‌باشد.

۱-۱- ولایت

واژه «ولایت» از ماده «و ل ی» برگرفته شده به معنای ازجمله یاری دادن، دوستی، عهده داری کاری، فرمان‌برداری و پیروی، سرپرستی^۱ اما شاید بتوان جمع میان این معانی را گفتار راغب اصفهانی دانست. او در مفردات می‌گوید: «ولاء و توالی به معنای این است که دو شیء یا بیشتر بدون جدایی انداختن چیز دیگری میان‌شان قرار گیرند و از اینجا استعاره برای قرابت و نزدیکی در مکان و خویشاوندی و دین و دوستی و یاری و باور آورده شده است.»^۲

بنابراین به نظر می‌رسد اصل و ریشه لغوی معنای ولایت که در همه موارد کاربرد ماده «و ل ی» وجود دارد همان پیوستگی و اتصال بدون جدایی میان دو چیز است که دربرگیرنده هرگونه قرب و نزدیکی اعم از مادی و معنوی است؛ اما در اصطلاح دینی و قرآنی مراد از قرب، نزدیکی معنوی است و شامل قرب و نزدیکی مادی و مکانی نمی‌شود، بر این اساس علامه طباطبایی (ره) می‌فرماید: «آنچه از معنای ولایت با دقت در موارد استعمالش به دست می‌آید عبارت از گونه‌های قرب و نزدیکی است که باعث و مجوز نوع خاصی از تصرف و مالکیت تدبیر می‌شود.»^۳

۱ زیبایی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۲۱، ص ۳۱۱-۳۱۲.

۲ . راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۸۸۵.

۳ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۱۲.

این قرب و نزدیکی که با تصرف «ولی» در شئون زندگی «مولى علیه» همراه است در همه انواع و اقسام ولایت جریان دارد و گاه در مورد «ولی میت» پس از مرگ او و نسبت به اموالش است، گاه در مورد «ولی صغیر» که شئون مالی صغیر را تدبیر می‌کند و یا «ولی نصرت» که در امور منصور از جهت تقویتش در دفاع تصرف می‌کند، یا «ولی» به معنای محبوب است که در جان و دل محب تصرف کرده و او را پیرو خویش می‌گرداند، همچنین خدای متعال ولی بندگانش است و امور دنیا و آخرت آنها را تدبیر می‌نماید و در این کار جز او کسی ولایت ندارد، تنها اوست ولی مؤمنین در تدبیر امر دینشان به اینکه وسائل هدایتشان را فراهم آورد و داعیان دینی بهسوی آنان بفرستد و توفیق و یاری خود را شامل حالشان بکند. رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و اهل بیت (علیهم السلام) نیز ولی مؤمنین‌اند، چون از سوی پروردگار، دارای جایگاهی هستند که در بین مؤمنین حکومت می‌کنند و در امورشان تصرف می‌کنند و له و علیه آنان داوری می‌نمایند و دیگر موارد ولایت نیز بر همین قیاس است.^۱

۱-۲- اهل بیت

واژه «اهل بیت» مرکب از دو کلمه «اهل» و «بیت» است

«اهل بیت یعنی ساکنان آن خانه، اهل مرد یعنی ویژه‌ترین افراد نسبت به او، اهل بیت پیامبر (علیه السلام) یعنی همسران، دختران و داماد او یعنی علی (علیه السلام) و گفته شده که زنان پیامبر و مردانی که از خانواده اویند، اهل بیت‌اند.»^۲

اهل بیت را ساکنان خانه دانسته و گفته اهل اسلام یعنی گروندگان به آن.^۳ راغب نیز در مفردات می‌گوید: «اهل مرد یعنی کسانی که با او خویشاوند یا همکیش یا هم‌شهری یا هم‌رشته و صنعت‌اند. اهل مرد در اصل یعنی آنان که با او در یکجا ساکن‌اند. سپس مجازاً به خویشاوندان او هم گفته شده است و هنگامی که به صورت مطلق «اهل بیت» گفته می‌شود، متعارف در خاندان پیامبر (صلی الله علیه وآله) است.»^۴ این سخنان نشان می‌دهد که مفهوم «اهل بیت» در لغت یعنی کسانی که پیوند استواری با خانه دارند و اهل مرد، یعنی آنان که پیوند نسبی یا سببی یا غیر آن با او دارند و اختصاص به همسران یا فرزندان فرد ندارد.^۵

ولی درباره معنای اصطلاحی «اهل بیت» باید گفت که مسلمانان به پیروی از قرآن کریم و سخنان

۱. همان، ج ۵، ص ۳۶۸ - ۳۶۱

۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۱۵۱.

۳. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۱۵۱.

۴. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۱۶.

۵. سبحانی، مفاهیم القرآن، ج ۱۱، ص ۱۳۳.

پیامبر (صلی الله علیه وآله)^۱ همواره این اصطلاح را در خاندان رسول خدا (صلی الله علیه وآله) یعنی علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم السلام) و دیگر پیشوایان معصوم از نسل آنان بکار برده‌اند و این مسئله به گونه‌ای شهرت یافته که اراده معنای دیگری از این واژه نیازمند قرینه است.^۲

با این وجود، شماری از مفسران اهل سنت در تعیین مصداق «أهل بیت» (علیهم السلام) در آیه شریفه تطهیر تشکیک نموده و نظرات مختلفی را بیان کرده‌اند که در مهمترین آنها گروهی مصداق آیه را تنها همسران پیامبر (صلی الله علیه وآله) دانسته‌اند.^۳ در روایات فراوانی که به «حدیث کساء» شهرت داشته و فریقین آن را با سند صحیح نقل کرده‌اند، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) مصداق «أهل بیت» (علیهم السلام) را تنها «پنجتن آل عبا» (علیهم السلام) معرفی نموده و همسران خویش را از مصداق آیه بیرون دانسته‌اند. از این روایات به دست می‌آید که واژه «أهل بیت» در اینجا به معنای لغوی و عرفی خود به کار نرفته است، بلکه اختصاص به گروه ویژه‌ای دارد که خداوند متعال با اراده تکوینی خویش آنان را از هرگونه پلیدی و ناپاکی دور نموده و همواره پاک و خالی از گناه و خطا خواهند بود. همچنین در برخی روایات است که آن حضرت بارها این آیه را درباره علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم السلام) تلاوت نموده و در طول ماه‌های زیادی به تطبیق این آیه بر آنان پرداختند تا جای هیچ شک و تردیدی باقی نماند؛ بنابراین با توجه به مجموعه گفتار و رفتار پیامبر (صلی الله علیه وآله) در تبیین مصداق آیه تطهیر، تفاوت میان معنای عرفی و لغوی أهل بیت با معنای مراد از آن در آیه که منحصر در اهل کساء است، روشن می‌گردد.^۴

۱-۳- سعادت

از سخنان اهل لغت استفاده می‌شود که واژه سعادت به دو معنا به کار می‌رود: یکی خوشی و نیکویی که در برابر آنها نحس و بدبختی قرار دارد و دیگری یاری‌کردن و مساعدت و ضد آن به معنای یاری نکردن که متناسب با عدم توفیق الهی در رسیدن به خیر است.^۵

درباره اصطلاح سعادت، تعریف‌های فراوانی از سوی دانشمندان علوم مختلف ارائه شده است. از آنجاکه هر کدام از آنها از جهانبینی و نگرش معرفتی خاص افراد نسبت به مسئله هستی، انسان و سرنوشت او سرچشمه می‌گیرد، رسیدن به معنایی یکسان، دشوار و دور از انتظار به نظر می‌رسد، اما به‌طور کلی می‌توان گفت که سعادت؛ یعنی رسیدن به کمال مطلوب، واقعی و حقیقی و اعمال سعادت‌مندانه، اموری هستند که انسان را به

۱ آیه سوره احزاب: «انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت» که به «آیه تطهیر» شهرت دارد و روایاتی چون حدیث مشهور ثقلین: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی» مؤید این مطلب هستند

۲. قرشی، قاموس قرآن، ج ۱، ص ۱۳۷.

۳ طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۲، ص ۷-۸؛ جلال‌الدین، سیوطی، الدر المنثور، ج ۵، ص ۱۱۸.

۴ از جمله این قرائن تغییر خطاب از ضمائر مؤنث در آیات قبل و بعد به ضمائر مذکر در این آیه است. رک: جعفر، سبحانی، مفاهیم القرآن، ج ۱، ص ۱۴۰

۵ ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۱۳ و ۱۴؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۷۵؛ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۴۱۱.

پیامبر) (و ما از او راضی هستیم خداوند او را با همان گناهی که دارد با چهرهای درخشان محشور می کند عیبهایش پوشیده و دلش آسوده است ترس و اندوهی ندارد. و این جریان چنین است که از دنیا خارج نمی شود مگر اینکه از آلودگی های گناه پاک می شود یا به مصیبتی در مال یا جان یا فرزند یا بیماری و کمترین کاری که خداوند نسبت به دوست ما انجام می دهد خواب وحشتناکی می بیند و صبح می کند اندوهگین از این خواب همین کفاره گناهش می شود یا ترس و وحشتی که از سوی دولت باطل بر او وارد می شود و یا بر او سخت گرفته می شود هنگام مرگ بعد به ملاقات خدا می رود پاک از گناه با دلی آسوده به واسطه محمد و امیرالمؤمنین (علیهما السلام) «^۱

۳-۵-۳- محبت و شفاعت

برخی روایات شفاعت پیامبر (صلی الله علیه وآله و سلم) و اهل بیت (علیهم السلام) را شامل حال کسانی می داند که به اهل بیت (علیهم السلام) محبت داشته باشند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) می فرماید: «به محبت ما اهل بیت (علیهم السلام) ملتزم باشید. کسی که روز قیامت خدا را ملاقات کند، درحالی که ما را دوست داشته باشد، به خاطر شفاعت ما وارد بهشت می شود. قسم به کسی که جانم در دست اوست عمل هیچ بندهای جز با معرفت حق ما به حال او سودی ندارد.»^۲

فردی از موسی بن جعفر (علیه السلام) از معنای آیه «در آن روز، شفاعت هیچ کس سودی نمی بخشد، جز کسی که خداوند رحمان به او اجازه داده و به گفتار او راضی است»^۳ پرسید که

ایشان فرمودند: «به شفاعت آل محمد (علیهم السلام) روز قیامت نمی رسد مگر کسی که به او اجازه پیروی از آنان داده اند و از نظر گفتار و کردار در راه آنها پسندیده باشد، بر مودت آنها زندگی کند و بر همان حال بمیرد، پس خداوند از کردار و گفتار آنان راضی باشد...»^۴

همچنین پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) می فرماید: «چهار دسته را روز قیامت من شفاعت می کنم، هرچند به اندازه اهل زمین گناه داشته باشند... یک دسته از آنان کسانی اند که با قلب و زبان به اهل بیت (علیهم السلام) محبت داشته باشند.»^۵

در روایت دیگری امام کاظم و امام صادق (علیهما السلام) می فرمایند: «سوگند به خداوند آن قدر از گناهکاران شیعیانمان شفاعت کنیم که وقتی دشمنان ما آن را ببینند بگویند: و اکنون نه شفیعی داریم و

۱ همان، ج ۲۷، ص ۱۳۷، ح ۱۳۱.

۲ همان، ج ۲۷، ص ۱۷۱، ح ۱۱؛ طوسی، الامالی، ص ۱۸۷، ح ۳۱۴

۳ طه / ۱۱۱؛ «یومئذ لاتنفع الشفاعة الا من أذن له الرحمن و رضی له قولاً».

۴ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۵۷، باب ۶۳، ح ۴.

۵ همان، ج ۶۵، ص ۱۲۴، ح ۵۱.

نه دوستانی صمیمی، کاش بازگشتی داشتیم و مؤمن می شدیم.»^۱ مراد از ایمان در اینجا هدایت شدن به ولایت ائمه (علیهم السلام) است.

۳-۵-۴- محبت وسیله نجات از عذاب

برخی از روایات به نقش و جایگاه محبت اهل بیت (علیهم السلام) در رهایی از عذاب اخروی و در امان بودن از آتش جهنم اشاره می کنند:

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) می فرماید: «هر که ما اهل بیت را دوست بدارد خداوند او را روز قیامت با امان محصور می کند.» و در جای دیگر نیز ولایت خود و اهل بیت را امان از آتش جهنم معرفی می کنند.^۲ ایشان همچنین می فرمایند: «دوستی من و دوستی اهل بیت در هفت محل سودمند است که بسیار هراسان گیرند. هنگام مرگ در قبر، هنگام نشور و در موقع نامه عمل و در هنگام حساب و در میزان و در صراط.»^۳

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: «قسم به آن کسی که دانه را شکافت و انسان را آفرید بهتو مژده می دهم که دوست و دشمنم مرا در چند جا خواهند دید. هنگام مرگ، صراط، هنگام تقسیم کردن، راوی پرسید تقسیم کردن چه چیز؟ فرمود تقسیم نمودن برای آتش به طور صحیح می گویم این دوست من است و این شخص دشمن من است.»^۴

امام محمدباقر (علیه السلام) فرمود: «ای جابر! به خدا سوگند که فاطمه در آن روز قیامت شیعیان و دوستداران خود را بسان پرنده ای که دانه خوب را از بد جدا می سازد، برگرفته و نجات می دهد.»^۵

۱ قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۲۳

۲ مجلسی، همان، ج ۲۷، ص ۷۱، ح ۱۵.

۳ ابن بابویه، الامالی، ص ۴۷۴، ح ۸؛ مجلسی، همان، ج ۲۷، ص ۸۸، ح ۳۵.

۴ مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۱۵۱-۱۶۱، ح ۱.

۵ همان، ج ۳۵، ص ۳۴۵، ح ۲۱ و ص ۳۴۶، ح ۲۱؛ ج ۶۵، ص ۱۳۳، ح ۶۵.

نتیجه گیری

یکی از مهمترین اهداف انسان‌ها در فرایند زندگی دستیابی به سعادت است که برای آن تلاش بسیاری کرده و سعی می‌کنند رفتارهای خود را طبق آن تنظیم کنند. اسلام برای سعادت انسان در دنیا و آخرت اهمیت فراوانی قائل شده و برای رسیدن به آن برنامه ارائه میکند همچنین نسبت به معرفی راهنما اهتمام ویژه‌ای نشان داده و وجود راهنما را برای سعادت انسان ضروری و این ضرورت را دائمی می‌داند به عنوان مثال روایات مبتنی بر این مطلب که زمین هیچ گاه از وجود راهنمایان الهی که از آنان به حجت تعبیر می‌کنند، خالی نبوده و نخواهد بود؛ مباحث مربوط به ولایت اهل بیت (علیهم‌السلام) یکی از مهمترین موضوعاتی است که در متون دینی مورد توجه و تأکید فراوان قرار گرفته و به ویژه در متون روایی به تبیین این موضوع و مسائل مرتبط با آن اهتمامی ویژه ورزیده‌اند. در این میان نقش ولایت اهل بیت (علیهم‌السلام) در رساندن انسان به سعادت واقعی، یکی از محوری ترین موضوعات مطرح شده در این منابع است. که اشاره به این دارند اگر کسی پایبند به ولایت اهل بیت (علیهم‌السلام) نباشد دستیابی به سعادت واقعی ممکن نخواهد بود. در این نوشتار نیز تلاش شده است با مراجعه به این منابع نقش ولایت اهل بیت (علیهم‌السلام) در سعادت انسان مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد؛ مسیر سعادت انسان بسیار طولانی پیچیده و پرخطر است از همین رو هم به راهنما احتیاج دارد و هم نظارت دائمی از سوی راهنما را می‌طلبد؛ زیرا احتمال انحراف انسان در این مسیر بسیار زیاد است؛ لذا نمی‌توان پیام خداوند را به انسان ابلاغ و آنگاه او را رها کرد تا مسیر سخت و طولانی هدایت را به تنهایی بپیماید. اهل بیت (علیهم‌السلام) در اینجا نیز نقش حساسی اجرا می‌کنند. آنان واسطه‌ی میان خداوند و مردم هستند تا با راهنمایی و نظارت خود مردم را به سعادت و کمال و به لقای خداوند برسانند. و در حقیقت سعادت واقعی انسان در دنیا و آخرت در گرو همراهی و اطاعت از حجت های الهی است. اگر انسانها خود را از حجت الهی جدا کنند، به سعادت دست نیافته و جز جهل و گمراهی، جنگ و خونریزی بت پرستی و هواخواهی نصیب آنان نخواهد شد.

فهرست منابع

* قرآن کریم، ترجمه فولادوند.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، تحقیق علیاکبر غفاری، چ ۱، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش
۲. ابن حنبل، احمد بن محمد، المسند، چ ۱، تحقیق شعيب أرنؤط و دیگران، بیروت: موسسه الرساله، ۱۴۲۱ ق،
۳. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، چ ۱، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۴ ق
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تحقیق جمال الدین میردامادی، چ ۱، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۴ ق
۵. آمدی، سیف الدین، غایه المرام فی علم الکلام، قاهره: المجلس الاعلی للشؤون الاسلامیه، ۱۳۱۱ ق
۶. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، چ ۱، قم: مؤسسه البعثه، ۱۳۷۴ ش،
۷. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۱۶ - ۱۱۷، ح ۲۴۸۲
۸. برقی، احمد بن محمد المحاسن، تحقیق جلال الدین محدث، چ ۲، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ق،
۹. حسینی تهرانی، محمدحسین، امام شناسی، بیتا، مشهد: مؤسسه ترجمه و نشر دوره و علوم معارف اسلامی،
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، چ ۱، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ ق
۱۱. ربانی گلپایگانی، علی، امامت در بینش اسلامی، چ ۵، قم: موسسه بوستان کتاب، ۱۳۱۳ ش
۱۲. زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق علی هلالی و علی سیری، چ ۱، بیروت: دارالفکر، چ ۱، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ ق
۱۳. سبحانی، جعفر، مفاهیم القرآن، چ ۱، قم: انتشارات مؤسسه امام صادق، ۱۴۲۱ ق
۱۴. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور، قم: کتابخانه آیتالله مرعشی، ۱۴۱۴ ق
۱۵. شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، چاپ اول، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ ق
۱۶. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، شرح اصول الکافی، تصحیح محمد خواجوی، چ ۱، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۸۳ ش
۱۷. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چ ۵، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، ۱۴۱۷ ق

۱۸. طبری آملی، محمد بن جریر، دلائل الامامة، چ ۱، قم: مؤسسه البعثة، ۱۴۱۳ ق
۱۹. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، چ ۱، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲
۲۰. فضل بن حسن، طبرسی، مجمعالبیان فی تفسیرالقرآن، با مقدمه محمدجواد بلاغی، چ ۳، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش
۲۱. فیض کاشانی، ملامحسن، الوافی، چ ۱، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین
۲۲. قرشی، علی اکبر قاموس قرآن، چ ۶، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش
۲۳. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، قم، مطبوعات دینی، ۱۳۷۷
۲۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، مصحح طیب موسوی جزائری، قمدار الکتاب، ۱۴۰۴ ق
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی ترجمه ی سید جواد مصطفوی، تهران: ۱۳۷۷
۲۶. مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، چ ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۴ ق
۲۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد، تقی بحار الأنوار بیروت: دار احیاء التراث العربی، اول: ۱۴۰۴ ق
۲۸. معرفت، محمد هادی، جایگاه ولایت در قرآن، شماره ۶، مجله پیام جاویدان، ۱۳۸۴ ش
۲۹. مفید، محمد بن محمد، الامالی، تحقیق حسین استاد ولی و علیاکبر غفاری، چ
۳۰. نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، تحقیق سید محمد کلانتر، نجف اشرف: مطبعة النعمان، بیتا